

## سیمای جوانان امروزی

### و حقایقی از انحراف آنان بسوی بدبختی

سیمای بسیاری از جوانان عزیز ما پژمرده است روح جوانان امروزی آماده برای امراض گوناگون است .

رنج بسیاری از آنها مانند شب ظلماتی تاریک و سیاه شده است چشمان زیبای آنان میل به زردی پیدا کرده بوی دهان بعضی از آنها فوق‌العاده ناراحت کننده و متعفن است نشاط و غرور جوانی بیشتر از آنان درهم شکسته شده دیوانگی و انحرار نسل جدید را تهدید می‌کند ، کم خوابی ، ضعف اعصاب ، امراض جسمی ، سوزاک ، سفلیس ، شانکر ، آنه‌اراهه‌پشه رنج می‌دهد . عوامل فساد ، غرب زدگی مدپرستی ، تقلید کورکورانه ، موسیقی ، سینما و تئاتر ، نمایش فیلم‌های جمیز-باندی ، پلیسی ، عشقی هندی سرتاسر شهوت و هیجان انگیز ، ازهر سو مانند سیل خروشان نونهالان و نوجوانان اجتماع ما را احاطه کرده و هر آن بایدا انتظار سقرط آنها را داشت . مذهب ، شرم و حیا ، ناموس و وجدان بکلی از آنها دور شده و اغلب آنها به هیچ چیز ایمان ندارند علاوه بر مذهب و دین را نوعی عقب-افتادگی و بازگشت به قرون وسطایی میدانند .

باید کاملاً این مسائل بزرگ را که بستگی به حیات ملت ما دارد بررسی نمود و نمیتوان آنرا یک مسأله پیش پا افتاده نگریست اگر چه سازمان‌های متعددی بنام سازمان رهبری ، و بررسی مشکلات جوانان ، تشکیل شد و چند زمانی سرو صدایی راه انداخت اما کوچکترین نتیجه‌ای نصیب آنان نشده این سازمانها بلکه سازمانهای مهم‌تری اگر تشکیل شود و بودجه هنگفتی صرف تشکیل دادن سازمانهای مهم‌تری بشود دردی را دوا نخواهد کرد - ما معتقدیم مادامیکه ریشه‌های زهر آگین فساد و مراکز و باتلاقهای زیرزمینی فساد از بین نرود ...

.. مادامیکه تبلیغات استعماری ، درممالک در حال توسعه اسلامی ادامه داشته باشد . مادامیکه سیل خروشان بدبختی ، تلویزیون ، فیلمهای عشقی و جنائی

صفحات رقص و آواز جاز و بیتلی، رژ لب و لاک و ناخن هنر پیشه‌های مشهور هالیوود، اقسام مشروبات الکلی، آبجو و آلات موسیقی، بسوی مملکت‌های اسلامی سرازیر است تمام اقدامات اصلاحی و مبارزات، بی‌نتیجه و عقیم خواهد ماند و بیش از چند صباحی ادامه نخواهد یافت.

آیا این همه فساد و بدبختی زائیدهٔ اجتماع و تمدن کنونی است که داد-دانش و پیشرفت و ترقی و تسخیر فضا می‌زند یا اینکه همهٔ انسانها متصرفند و به اعتراف دانشمندان جهان اسلام، علت اصلی انحراف و بازگشت نسل جوان را به قهقرای این عوارض جسمی و روحی آنان از کجاسرچشمه گرفته است در اینجا متذکر می‌شویم و بخواست خدا این بحث مهم اجتماعی را ادامه می‌دهیم:

### علل انحراف و انحطاط!

- ۱- نداشتن امید
  - ۲- ایمان سست
  - ۳- نبودن دین و مذهب در روحیه جوانان
  - ۴- اجتماع و محیط فساد انگیز
  - ۵- مطبوعات یا آئینهٔ فساد عمومی
  - ۶- الکل و مواد مخدره، یادشمن خطرناک برای نسل بشر
  - ۷- رواج هر وین
  - ۸- خودکشی و انتحار
  - ۹- نقش سینما و تئاتر و کاباره‌ها در نابودی نسل جوان
  - ۱۰- شب نشینها؛ تفریحات ناسالمی که بنام تفریحات سالم نامیده شده
  - ۱۱- تقلید کور کورانه یا غرب زدگی
  - ۱۲- دست استعمار و فعالیت‌های وسیع بیگانگان برای انحراف نسل جوان
- بخواست خدا هر یک از این مشکلات و مسائل و عوامل خطرناک فساد را، مورد بحث قرار داده و نتیجه می‌گیریم زیرا هر یک از اینها از چیزهایی است که در انحراف و فساد جوانان نقشی اساسی را بازی میکند و آنها را از حقیقت دور و گمراهی را در نظر آنان جلوه گر میکند. باید امیدوار که چراغ پر فروغ زندگی و ایمان را که سبب پیروزی، و دین و مذهب که را باعث خوشبختی است در روحیه

جوانان زنده کرد ، باید آنها را از مفسد اجتماع کنونی ، و دست زدن به الکل و خودکشی دور داشت . باید مفاسد مطبوعات خلاف عفت و عواقب سوء سینما و تأثر و شب نشینی و هر وین و قمار را به آنها فهماند تا جوان که امروزه دنیا اورا رهبر انسانیت فرد امیداند ارزش خود را از دست ندهد و بتواند وظائف اخلاقی و اجتماعی و انسانی خود را تحت تربیت صحیح انجام دهد و سبب افتخار نسل بشر باشد .

### ۱- نداشتن امید

شاید سرمنشأ انحراف طبقه جوان به عقیده دانشمندان ، یأس و ناامیدی باشد . جوانی که در زندگی در تمام امور با مشکلات طاقت فرسائی رو بر داشته و در نتیجه شکست خورده است .

جوانی که ناملاایمات روزگار در هر زمان و مکان بیرحمانه با او دست بگیرد ، جوانی که مشکلات روز افزون زندگی در داخل کانون خانواده و یاد خارج از کانون خانواده ، او را تحت فشار غیر قابل تحمل خود قرار میدهد . جوانی که ناراحتیهای روحی و فکری مانند آتش سوزانی بر کالبد و جسم خاکی او رخنه کرده است جوانی که باید روز بروز افکار پوسیده و انحرافی را در مغز خود جولان دهد . جوانی که باید عاشق پیشگیها ، بی بند و باریها ، هوسبازیهای هنر - پیشه ها و ستاره های سینما ، امثال سوفیا ، جینا برجیدا ، کارپولنی ، و همقطاران آنها را از مغز خود دور کند . جوانی که از بیکاری و گاهی در اثر فقر و فلاکت مادی و معنوی ناچار تن به مرگ میدهد . جوانی که پرده های خرافات گاه و بیگاه در مسیرش مانند ستاره درخشان می درخشد . جوانی که باید شب تاریک و راه پرخطر زندگی خانمان سوزانمی ، و سرنوشت رقت انگیز و بلا تکلیفی را مانند تند باد حوادث بپیماید . جوانی که فساد اجتماع ، فساد مطبوعات ، فساد هم نوع ، فساد بیشتر طبقات را با دیده بصیرت مینگرد . هیچ راه چاره ای ندارد نه قدرتی دارد که بتواند در پرتو آن فساد را نابود کند . نه پشتیبان و طرفداری دارد که بتواند بوسیله آن فساد را از اجتماع و افراد آن ریشه کن سازد . تنها چیزی که جوان بتواند بواسطه آن بر مشکلات فائق آید و بر مصائب و ناراحتیها غلبه کند : امید است یأس و

نا توانی و نا امیدي : روح انسان را تحت فشار قرار میدهد اما امید روح را تقویت ایمان را کاملتر ؛ هدف را مشخص تر میسازد آری تنها امید است که میتواند جوان را از مشکلات زندگی برهاند امید است که جوان را با عزمی راسخ و ایده و هدفی خلل ناپذیر به مقابله ، با مشکلات و مصائب زندگی دعوت میکند امید است که مهارس کش عشق و شهود ، بی بندوباری و هوسبازی را مانند گودالی که آب خروشان را در خود جمع میکند ، متوقف میسازد .

خداوند بزرگ در کتاب آسمانی به بشریت مژده و نوید امید میدهد .  
 نویدهای امید بخش قرآن در لابلای صفحات آن به چشم میخورد : **ولایماً سوا من روح الله انه لایبأس من روح الله الا القوم الکافرون** (سوره ۸۷ - آیه ۱۲) و از گشایش خداوند بزرگ نا امید نشوید زیرا بجز کافران کسی از گشایش خدا نا امید نمیشود

**وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض** (سوره ۵۵ - آیه ۲۴) «خداوند متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در روی زمین وعده پیروزی میدهد»

این دو آیه فوق دلیل محکمی است بر اینکه امید از پیادهائی است که بنیان گذار اسلام در دوران جاهلیت و زمانی که جنگ برادر کشی در شبه جزیره العرب رواج کامل داشت از طرف خداوند بزرگ به بشریت عرضه داشت . که کامیابی و سعادت نصیب حق پرستان ؛ حق گویان خواهد شد و همواره در پرتو نور درخشان امید بسوی آینده ای درخشان و نوین گام بردارید .

امید آرد به دلاها روشنائی  
 فروزد آتش عشق خدائی  
 بود شاداب از آن جمله جانها  
 بود آن مونس قلب جوانها  
 چراغ پر فروع عشق جاوید  
 بلی امید دان ؛ امید ، امید  
 دنیا له دارد

(بقیه از صفحه ۵۲) دوستی و اتحاد و هماهنگی در آرزو بطور کامل در میان اجتماعات بشری حکم فرمائی میکند ؛ و آرزو همه بعنوان برادر و خواهر ، و پسر و دختر عضو یک خانواده بشمار میآیند .  
 آری دوستی و محبت عمومی داروی بیماریهای جهان است که متأسفانه هنوز بشر چنانچه باید به ارزش واقعی آن پی نبرده است ، آرزو است که مفهوم واقعی کلمه «دوستی» آشکار میگردد . (۱)